

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال نهم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۲/۱۳

صفحات: ۱۶۳-۱۹۶

حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران

قاسم ترابی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، گروه روابط بین‌الملل، ایران، همدان

چکیده

همکاری‌های ناتو با کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز از همان ابتدای استقلال آنها از اتحاد جماهیر شوروی و در ابتدای دهه ۹۰ آغاز شد؛ با این وجود بنا به دلایلی این روابط تا پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر چندان گسترده نبود. در این راستا، حوادث ۱۱ سپتامبر باعث تغییرات گسترده‌ای در سطح و عمق روابط ناتو و کشورهای آسیای میانه‌ای و قفقاز شد. به عنوان نمونه، اکثر این کشورها در حال حاضر همکاری‌های گسترده‌ای با ناتو در قالب «برنامه مشارکت برای صلح» دارند و در عملیات‌های نظامی ناتو در سرتاسر جهان مشارکت می‌کنند. با توجه به این شرایط، هدف مقاله حاضر ارزیابی آخرین تحولات در رابطه با حضور ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران است.

کلید واژگان

ناتو، آسیای میانه و قفقاز، مشارکت برای صلح، امنیت انرژی، رقابت منطقه‌ای، تروریسم.

مقدمه

در گذشته کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز بخشی از امپراتوری شوروی محسوب می شدند و برای مدت طولانی اصولاً بحث چندانی در مورد آنها در عرصه بین المللی وجود نداشت. اما با فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای تازه استقلال یافته ای چون قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، آذربایجان، گرجستان و ارمنستان، به یکباره فضا تغییر کرد و در این منطقه رقابت های گسترده ای بین روسیه، چین، آمریکا، اسرائیل، ترکیه، ایران و حتی عربستان سعودی شکل گرفت. (Dorian, Wigdortz and Gladney, 1997)

در این رقابت گسترده هر کدام از طرف ها به دنبال آن بودند که با تاثیر گذاری بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشورها، آنها در راستای منافع خود شکل دهند؛ با این وجود جدال اصلی در این منطقه بین روسیه و کشورهای غربی به رهبری آمریکا شکل گرفت. در چارچوب این رقابت گسترده، که برخی از کشورهای منطقه نیز با آن همراه شدند، روس ها تلاش داشته و دارند تا با ایجاد سازوکارهایی چون «سازمان کشورهای مشترک المنافع»^۱ همچنان کنترل خود را بر روی این کشورها حفظ کنند. در مقابل کشورهای غربی تلاش می کنند تا با ایجاد روابط گسترده سیاسی، اقتصادی و نظامی با کشورهای این منطقه، به شکلی به استقلال و دوری آنها از روسیه کمک کنند. روس ها همچنین برای مقاومت در برابر نفوذ غرب در منطقه به دنبال گسترش تعامل با چین بوده اند که ایجاد پیمان همکاری شانگهای با چنین منطقی به خوبی قابل تجزیه و تحلیل است. (Wishnick, 2009:1-5)

در چنین چارچوبی از رقابت، ورود ناتو به منطقه آسیای میانه و قفقاز را باید عاملی برای تقویت موضع غرب و تلاش برای پر کردن خلاء قدرت به وجود آمده بعد از فروپاشی شوروی، کنترل بر منابع عظیم انرژی، تضعیف رقبا و کنترل اسلامی سیاسی ارزیابی نمود. به عبارت دیگر در چارچوب رقابت غرب با روسیه، ورود ناتو به منطقه را باید به عنوان یکی از ابزارهای مهم غرب ارزیابی نمود که نقش آن صرفاً در حوزه نظامی و امنیتی نیست. با عنایت به این شرایط کلی از وضعیت منطقه، هدف اصلی مقاله حاضر ارزیابی دلایل حضور ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز، تجزیه و تحلیل نوع و شکل

¹ - Commonwealth of Independent States

همکاری ناتو با کشورهای منطقه و در نهایت ارزیابی پیامدهای این روندها بر امنیت جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل، در ادامه ابتدا طی یک بخش دلایل حضور ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز مورد بررسی خواهد گرفت؛ سپس به شکل مفصل نوع و عمق همکاری‌های ناتو با تک‌تک کشورهای منطقه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نهایت در بخش آخر به بررسی پیامدهای این روندها بر امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۱. دلایل حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز

کارشناسان مختلف دلایل متعددی را برای گسترش حضور ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز در سطوح سیاسی، نظامی، امنیتی و حتی اقتصادی مطرح کرده‌اند. البته کشورهای عضو ناتو و همچنین کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تلاش برای افزایش سطح همکاری‌های امنیتی و در نهایت تقویت امنیت منطقه‌ای و جهانی را مهم‌ترین دلیل همکاری می‌دانند؛ با این وجود از شواهد و قرائن و همچنین حوزه همکاری‌ها مشخص است که اهداف اصلی ناتو از همکاری با این کشورها در چارچوب رقابت غرب با روسیه و چین، مساله «امنیت انرژی»، مقابله با بنیادگرایی و تروریسم و کنترل روندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورهای منطقه قرار دارد؛ که در ادامه هرکدام با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. پرکردن خلاء قدرت و تضعیف روسیه

برخی تحلیلگران برای توجیه گسترش ناتو به شرق، هدف نهایی را تضعیف جایگاه روسیه در میان کشورهای آسیای میانه و قفقاز ارزیابی می‌کنند. این کارشناسان معتقدند که فرآیند گسترش ناتو به سوی شرق ماهیت ضدروسی دارد و با هدف تضعیف جایگاه این کشور در عرصه بین‌المللی دنبال می‌شود. در مقابل بعضی دیگر بر این باورند که فرآیند گسترش ناتو کاملاً ضدروسی نیست، اما یکی از محرک‌های آن روسیه است. بر این مبنا گفته می‌شود، خلاء قدرت به وجود آمده در اوراسیا، پتانسیل برهم زدن موازنه قدرت را در خود دارد، زیرا به هر حال روسیه قدرتمندترین کشور منطقه است؛ بنابراین حضور ناتو برای جلوگیری از سلطه مجدد روسیه و همچنین بروز درگیری‌های گسترده بین کشورهای این منطقه

ضروری است. (Wishnick, 2009: 5-18)

ضمن اینکه آمریکا نشان داده است که از هر فرصت برای گسترش دایره امنیت کشورهای غربی استفاده می‌کند و به همین دلیل فروپاشی شوروی این فرصت را در اختیار آمریکا قرار داده است تا کشورهای این منطقه را از حوزه امنیتی روسیه خارج کند. در نتیجه ورود ناتو به منطقه آسیای میانه و قفقاز را باید به عنوان ابزاری در راستای تقویت طرفداران دموکراسی و بازار آزاد (لیبرال_دموکراسی) و همچنین نخبگان غرب‌گرا دانست؛ که در نهایت پس از به قدرت رسیدن روابط خوبی با کشورهای غربی برقرار می‌کنند. البته ناتو تنها یکی از ابزارهای غرب برای نفوذ در میان کشورهای این منطقه است و کشورهای غربی به خصوص آمریکا از انواع ابزارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای تغییر وضعیت موجود به سود خود استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه، تلاش کشورهای غربی برای گسترش انقلاب‌های رنگی در منطقه آسیای میانه و قفقاز به خوبی تأییدکننده همین موضوع است. (برژینسکی، ۱۳۸۶)

ب. وجود منابع عظیم انرژی

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل توجه کشورهای غربی و ناتو به منطقه آسیای میانه و قفقاز، به مساله «امنیت انرژی»^۱ برمی‌گردد. لازم به ذکر است که کشورهای غربی و به خصوص آمریکا به شدت نگران افزایش وابستگی خود به نفت و گاز وارداتی به خصوص از خاورمیانه هستند، (Luft, 2005: 1) به همین دلیل به شدت به دنبال راه‌کارهایی هستند که از میزان وابستگی خود به منابع نفت خاورمیانه بکاهند. در این راستا، یکی از گزینه‌های پیش‌روی کشورهای غربی که در راستای «سیاست متنوع‌سازی»^۲ مناطق تامین انرژی در اولویت قرار دارد، تلاش برای ورود به بازار انرژی آسیای میانه و قفقاز است. (Woolsey, 2004)

براساس گزارش وزارت انرژی آمریکا، کشورهای آسیای میانه و قفقاز روی هم‌رفته بین ۱۷ تا ۳۳ میلیارد بشکه ذخایر نفت اثبات‌شده دارند و حجم ذخایر احتمالی آنها بالغ بر ۲۳۳ میلیارد بشکه است. در

¹ - Energy Security

² - Diversifications Policy

صورتی که این ارقام اثبات کردند، می‌توان گفت از نظر منابع انرژی آسیای میانه و قفقاز در مقام دوم پس از خلیج فارس قرار دارد. (Energy Information Administration, 2001) با این وجود کارشناسی‌های انجام شده نشان داده است که آمار ارائه شده دور از واقعیت هستند و ذخایر احتمالی این منطقه بسیار پایین‌تر از آن چیزی است که در ابتدا تصور می‌شد. بر اساس آمار رسمی شرکت معتبر «بریتیش پترولیوم»، میزان نفت کشورهای این منطقه ۱۲۲,۴ میلیارد بشکه است که چیزی پایین‌تر از

نفت ایران و در حدود نفت عراق است. (BP, Statistical Review of world energy, 2011) علی‌رغم این اختلافات در مورد میزان حجم ذخایر این منطقه، شکی وجود ندارد که آسیای میانه و قفقاز پس خاورمیانه در رده دوم جهان از نظر میزان ذخایر نفت و گاز قرار دارد و به همین دلیل به شدت مورد توجه کشورهای غربی است. در نتیجه این امر، کشورهای غربی و به خصوص آمریکا به دنبال ورود به فضای سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی منطقه هستند. بر این مبنای باید یکی از محورهای توجه ناتو به منطقه آسیای میانه و قفقاز را به مساله امنیت انرژی مرتبط دانست. به تعبیری دیگر، یکی از اهداف کشورهای غربی در گسترش نقش و نفوذ ناتو به کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تلاش برای ایجاد امنیت انرژی در راستای سیاست متنوع‌سازی منابع سوخت است. (Gallis, 2007)

ب. مقابله با اسلام سیاسی

به باور بسیاری از کارشناسان و کشورهای غربی، مهار اسلام سیاسی در آسیای میانه و قفقاز ضروری است؛ چرا که جنبش‌های طرفدار اسلام سیاسی در جهت تضعیف یا سرنگونی رژیم‌های سکولار و منافع دولت‌های دوست و حامی آنها تلاش می‌کنند. جالب آنکه حتی در برخی تحلیل‌ها، خطر اسلام سیاسی در کشورهای آسیای میانه و قفقاز به اندازه کمونیسم در زمان شوروی سابق ارزیابی می‌شود. بر این مبنای از نظر برخی کارشناسان غربی، همسایگی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز با ایران و افغانستان، تاثیرپذیری کل منطقه از جریان اسلام سیاسی و ضعف این کشورها در مقابله با این تاثیر، توجیه‌کننده سیاست گسترش ناتو با هدف مقابله با چنین روندی است. (مبانی سیاست گسترش ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۸۵)

با توجه به این شرایط، یکی از اهداف ناتو برای ورود به این منطقه، حمایت از دولت‌های سکولار و

آموزش نیروهای نظامی و امنیتی کشورهای منطقه برای مقابله با اسلام‌گرایان و تروریست‌ها است. جالب آنکه روسیه نیز با چنین تهدیدی همدلی دارد و مقابله با اسلام‌گرایان و تروریست‌ها را یکی از اهداف اصلی خود در آسیای میانه و قفقاز اعلان نموده است. لازم به اشاره است که روس‌ها نیز مانند آمریکا و ناتو به کشورهای آسیای میانه در زمینه مبارزه با اسلام‌گرایان آموزش می‌دهد و خود در حل سرکوی اسلام‌گرایان چینی هستند.

ت. کنترل گسترش تسلیحات غیرمتعارف در منطقه

تقریباً تمامی کشورهای آسیای میانه و قفقاز به اشکال مختلف و در سطوح متعدد، دارای توانایی‌های در زمینه ساخت انواع و اقسام تسلیحات غیرمتعارف هستند، که عمدتاً از اتحاد جماهیر شوروی برای آنها باقی مانده است. ضمن اینکه بسیاری از این کشورها در مراحل اول استقلال اصولاً دارای انواع تسلیحات غیرمتعارف هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و موشک‌های دوربرد بودند. به عنوان نمونه، می‌توان به توانایی‌های غیرمتعارف قزاقستان اشاره نمود. این کشور پس از آن که از اتحاد جماهیر شوروی استقلال گرفت؛ دارای منابع عظیم و زرادخانه‌های بزرگ تسلیحات به جای مانده از گذشته بود. در این زمینه، قزاقستان از جمله کشورهایی بود که در دوران نظام تک قطبی بیشترین تسلیحات اتحاد جماهیر شوروی در آن‌جا نگهداری می‌شد. به علاوه بخش مهمی از زرادخانه هسته‌ای شوروی نیز در این کشور قرار داشت. بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی وزارت دفاع روسیه، پس از استقلال قزاقستان، ۱۴۰۰ کلاهک هسته‌ای به علاوه ۴۰ «هواییمایی بمب افکن پیشرفته تی-۹۵م»^۱ و ۳۲۰ «موشک کروز»^۲ اتحاد جماهیر شوروی در این کشور باقی مانده بودند. (Kazakhstan, 2011)

سایر کشورهای آسیای میانه و قفقاز نیز کم‌وبیش میزبان برخی از تسلیحات و امکانات یا تاسیسات ساخت انواع تسلیحات شوروی سابق بودند. البته روس‌ها به کمک کشورهای غربی خیلی زود توانستند بسیاری از تسلیحات غیرمتعارف این کشورها را یا از بین ببرد و یا اینکه به روسیه برگرداند؛ با این وجود هنوز مساله بقایای سایت‌ها و امکانات نظامی شوروی در این کشورها باعث نگرانی‌هایی در سطح منطقه

^۱ - Tu-95M long range bombers

^۲ - Cruise Missiles

شده است. از جمله این که کشورهای غربی و به خصوص آمریکا نگرانی‌هایی جدی در مورد انتقال کارشناسان، قطعات فنی و سایر تجهیزات حساس به کشورهای دارند که به دنبال ساخت تسلیحات غیرمترعارف هستند. ضمن اینکه نگرانی‌هایی در مورد ایجاد مسابقه تسلیحاتی میان کشورهای آسیای میانه و قفقاز، با توجه به تحولات موجود در منطقه خاورمیانه نیز وجود دارد. (ترابی، تیر ۱۳۸۹)

با عنایت به این نگرانی‌ها در مورد توانایی‌ها و امکانات کشورهای آسیای میانه و قفقاز در زمینه تسلیحات غیرمترعارف و همچنین احتمال شکست رژیم منع گسترش در خاورمیانه، یکی از اهداف ناتو برای حضور در این منطقه را باید پوشش این نگرانی‌ها ارزیابی نمود. به عبارت دقیق‌تر، یکی از اهداف ناتو برای همکاری با کشورهای آسیای میانه و قفقاز، از بین بردن انگیزه آنها برای سرمایه‌گذاری بر تسلیحات غیرمترعارف و جلوگیری از انتقال امکانات و توانایی‌های غیرمترعارف آنها به سایر کشورها است.

۲. همکاری ناتو با کشورهای آسیای میانه و قفقاز

همکاری ناتو با کشورهای آسیای میانه و قفقاز تقریباً روند یکسانی داشته است و این کشورها کم‌وبیش همکاری‌های مشابهی با ناتو داشته و دارند. به عنوان مثال، ارتباط بیشتر این کشورها با ناتو در نیمه اول دهه ۹۰ در چارچوب برنامه «مشارکت برای صلح»^۱ آغاز شد. شکل همکاری‌ها نیز بیشتر شکل آموزش نظامیان برای انجام ماموریت‌های مشترک در قالب عملیات‌های صلح ناتو و اعمال اصلاحات نظامی در ساختار و سلسله‌مراتب ارتش کشورهای منطقه را داشته است.

ضمن اینکه روابط این کشورها با ناتو در دهه ۹۰ در سطح نسبتاً محدودی قرار داشت، تا اینکه حوادث ۱۱ سپتامبر عملاً شرایط را برای همکاری همه‌جانبه مهیا نمود. در این راستا، پس از بروز حوادث ۱۱ سپتامبر فضای جدیدی مهیا شد که در قالب آن سطح و عمق روابط ناتو با کشورهای منطقه به شدت افزایش یافت و عملاً همکاری‌ها وارد فاز اجرایی گردید. به تعبیری دیگر روابط ناتو با کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز را می‌توان به دو مقطع پیش و پس از ۱۱ سپتامبر تقسیم‌بندی نمود. با توجه به این شرایط کلی از روابط دوجانبه ناتو با کشورهای منطقه آسیای میانه و قفقاز، در ادامه به شکل

^۱ - NATO's Partnership for Peace (PfP)

موردی روابط هرکدام از کشورهای منطقه با ناتو مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الف. همکاری ازبکستان و ناتو

ازبکستان از جمله کشورهای آسیای میانه محسوب می‌شود که از همان ابتدای استقلال تمایل فراوانی برای همکاری با ناتو و سایر سازمان‌های امنیتی و نظامی غربی داشت. به عنوان مثال، «اسلام کریموف» رئیس‌جمهور ازبکستان در سال ۱۹۹۲ طی یک سخنرانی مهم به اهمیت ناتو اشاره نمود و اعلان کرد که کشورش مایل است تا در مورد موضوعات امنیتی با این سازمان همکاری داشته باشد. همچنین در راهبرد نظامی ازبکستان نیز توجه خاصی به ناتو شده است و مقامات این کشور به شکل رسمی یکی از محورهای اصلی دکترین نظامی خود را تلاش برای همکاری عمیق با ناتو اعلان نموده‌اند. در نتیجه این اقدامات، در سال ۱۹۹۴ ازبکستان مانند بسیاری دیگر از کشورهای منطقه آسیای میانه به برنامه‌های مشارکت برای صلح ناتو پیوست. (NATO's Relations with Uzbekistan, 2011)

مقامات ازبکستان همچنین اعلان نمودند که خواهان حمایت نظامی کشورهای غربی هستند؛ در نتیجه بعضی از اعضای ناتو کمک فراوانی به ازبکستان در زمینه تشکیل نیروی نظامی نمودند. به عنوان مثال، آلمان، آمریکا و ترکیه سه کشوری بودند که در اوایل دهه ۹۰ و پس از آن نقش مهمی در تشکیل ارتش نوپای ازبکستان داشتند. اولین و مهم‌ترین کمک این سه کشور به ازبکستان، کمک فنی و فکری در جهت سامان‌دهی ساختار ارتش این کشور بود. در سال ۱۹۹۹ نیز نیروهای نظامی آمریکا و ازبکستان دوره‌های آموزشی مشترکی را زیر نظر ناتو در این کشور برگزار نمودند؛ که هدف آنها بالابردن توان نظامی و سطح آمادگی نیروهای ازبک برای مشارکت در عملیات‌های نظامی ناتو بود. با این وجود، روابط ناتو و ازبکستان مانند روابط سایر کشورهای آسیای میانه با ناتو در دهه ۹۰ چندان گسترده نبود، با این حال حوادث ۱۱ سپتامبر به یکباره باعث گسترش روابط دوجانبه ناتو با ازبکستان شد. (<http://www.state.gov>) اولین عامل این امر را باید در حمله آمریکا به افغانستان و گسترش حضور ناتو در منطقه ارزیابی نمود. در این راستا، به دنبال حمله آمریکا به افغانستان، نیروهای ناتو از خاک ازبکستان برای تدارک عملیات‌های نظامی و پشتیبانی علیه نیروهای تروریستی طالبان و القاعده

استفاده نمودند. حتی در مقاطعی مقامات ازبکستان موافقت نمودند که نیروهای ناتو و آمریکا از پایگاه نظامی این کشور استفاده نمایند. همچنین از آن زمان تاکنون، ناتو و ازبکستان همکاری‌هایی در حوزه آموزش نظامیان، کمک به بالابردن توانایی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ازبک برای مقابله با تروریست‌ها، بالابردن امنیت مرزها و مقابله با سایر عوامل بی‌ثباتی دارند. (Tynan)

ب. همکاری تاجیکستان و ناتو

روابط تاجیکستان و ناتو در سال ۱۹۹۲ آغاز گردید؛ در این سال تاجیکستان به عضویت «شورای همکاری ناتو»^۱ درآمد که در سال ۱۹۹۷ به «شورای همکاری اروپا و آتلانتیک»^۲ تغییر نام داد. با این وجود در دهه ۹۰ همکاری چندانی بین ناتو تاجیکستان وجود نداشت. در واقع روابط جدی‌تر تاجیکستان با ناتو را می‌بایست در قالب عضویت و همکاری این کشور در چارچوب «مشارکت برای صلح ناتو» در سال ۲۰۰۲ مورد ارزیابی قرار داد. لازم به اشاره است که از سال ۲۰۰۱ به بعد میزان همکاری‌های ناتو و تاجیکستان روبه افزایش نهاد. علت اصلی این امر نیز بروز حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و حضور گسترده‌تر ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز برمی‌گردد.

ضمن اینکه از این سال به بعد، محور همکاری‌های تاجیکستان با ناتو بر مقابله با تروریسم و نیروهای بنیادگرای اسلامی قرار گرفت. با توجه به مرزهای تاجیکستان در کنار افغانستان و همچنین خطر اسلام‌گرایان در منطقه، نیروهای ناتو به این کشور کمک نمودند تا دوره‌های آموزشی ضدتروریسم را برگزار کند. این دوره‌ها توسط افسران برجسته ناتو در مدارس و دانشکده‌های نظامی تاجیکستان، تدریس می‌شوند. به علاوه تاجیکستان با نیروهای ناتو تبادل اطلاعات و تجربه دارد، که این امر با توجه به جایگاه این کشور در آسیای میانه و مجاورت با افغانستان بسیار با اهمیت است. (NATO's Relations with Tajikistan, 2011)

دیگر حوزه همکاری دوجانبه به همکاری با هدف بالابردن درک مردم تاجیکستان از فواید همکاری

^۱ - North Atlantic Cooperation Council

^۲ - Euro-Atlantic Partnership Council

با ناتو اختصاص دارد. ضمن این که تاجیک‌ها با کمک نیروی‌های ناتو در حال افزایش آگاهی مردم در زمینه اصلاحات در حال اجرا در امور نظامی و امنیتی هستند. لازم به ذکر است که تاجیکستان قصد دارد با حمایت نیروهای ناتو ساختار نظامی خود را تغییر دهد. هدف از این تغییرات، بالابردن شفافیت در سلسله مراتب و کارایی نیروهای نظامی تاجیکستان است. در این راستا، قرار است که ارتباط بیشتری بین رییس جمهور، پارلمان و وزارت دفاع در زمینه امور دفاعی و امنیتی ایجاد گردد. افزایش همکاری و هماهنگی بین این سه رکن زمینه را برای افزایش حضور ناتو در این کشور و همچنین گسترش نقش نیروی نظامی آن در عملیات‌های ناتو فراهم می‌آورد. از نظر کارشناسان ناتو، تاکنون یکی از موانع گسترش نقش ناتو در تاجیکستان، عدم هماهنگی بین این سه نهاد بوده است؛ که اصلاحات پیشنهادی ناتو این مشکل را حل خواهد کرد. (NATO's Relations with Tajikistan, 2011)

به علاوه در سال‌های اخیر «بخش دیپلماسی عمومی ناتو»^۱ در تابستان‌ها دوره‌های آموزشی نظامی و امنیتی برای دانشجویان تاجیک برگزار می‌کند. هدف از برگزاری این کلاس‌ها، بالابردن دانش نظامی و امنیتی دانشجویان این کشور است. در نهایت همکاری در عرصه مدیریت شرایط اضطراری، محیط زیست و همکاری تکنولوژیکی از دیگر ابعاد همکاری ناتو با تاجیکستان است. (NATO's Relations with Tajikistan, 2011)

تاجیکستان علاوه بر روابط گسترده با ناتو، روابط گسترده‌ای با آمریکا در قالب ناتو و یا به شکل دوجانبه دارد. البته در دهه ۹۰ تاجیکستان تحت فشار روسیه توانست روابط چندانی با آمریکا داشته باشد؛ با این وجود روابط نظامی آمریکا و تاجیکستان از سال ۲۰۰۱ و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر رو به گسترش نهاد. از آن سال به بعد دو کشور در زمینه‌های مختلفی چون مبارزه با تجارت مواد مخدر، تروریسم، بنیادگرایی اسلامی، منع گسترش تسلیحات غیرمتعارف و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری دارند.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری دو کشور به حمایت مالی و نظامی آمریکا از تاجیکستان با هدف بالابردن توان نیروهای مرزی این کشور، بویژه در مرزهای مشترک با افغانستان برمی‌گردد. لازم

^۱. NATO's Public Diplomacy Division

به ذکر است که پس از خروج نیروهای مرزی روسیه از این کشور، حجم تجارت مواد مخدر و رفت و آمد ترورسیم به حدی گسترش پیدا نمود که تاجیک‌ها برای مقابله با این پدیده از آمریکایی‌ها درخواست کمک نمودند. در نتیجه این امر، در حال حاضر همکاری نزدیکی بین نیروهای دو کشور در مرزهای مشترک با افغانستان وجود دارد.

به علاوه آمریکا برای تامین تسلیحات مورد نیاز خود در افغانستان، پلی در مرز رودخانه‌ای بین تاجیکستان و افغانستان با هزینه ۳۶ میلیون دلار ساخته است که روزانه ده‌ها ماشین از آن برای انتقال تجهیزات استفاده می‌کنند. به هر حال آمریکایی‌ها خوب می‌دانند که با توجه به وابستگی شدید نظامی تاجیکستان به روسیه، همکاری نظامی با این کشور بسیار مشکل‌تر از سایر کشورهای آسیای میانه است؛ با این وجود در شرایط پیش آمده پس از ۱۱ سپتامبر آمریکا پیشرفت‌های خوبی در گسترش روابط نظامی با تاجیکستان داشته است. (Bureau of South and Central Asian Affairs, 2011)

ب. همکاری گرجستان و ناتو

روابط گرجستان و ناتو از سال ۱۹۹۴ آغاز شد؛ در این سال ناتو به برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو پیوست و روابط کم‌وبیش محدودی را به پیمان آتلانتیک شمالی آغاز کرد. البته روابط ناتو و گرجستان در دهه ۹۰ و تا سال ۲۰۰۳ چندان گرم نبود. علت اصلی این مساله نیز به حکومت «ادوارد شوارنادزه»^۱ برمی‌گشت که اولویت را به همکاری با روسیه می‌داد. با این وجود با بروز «انقلاب رز» در گرجستان و روی کار آمدن «ساکاشویلی»^۲ غرب‌گرا، شرایط برای گسترش روابط با ناتو و آمریکا مهیا شد. وی برخلاف رییس‌جمهور قبلی تمایل فراوانی برای همکاری در همه زمینه‌ها با غرب داشت. (NATO's

Relations with Georgia, 2011)

تحت تاثیر این شرایط، دولت جدید گرجستان در سال ۲۰۰۵ تمایل خود را برای عضویت در ناتو اعلان نمود. در سال ۲۰۰۶ نیز مجلس گرجستان از درخواست ساکاشویلی حمایت نمود و خواهان

^۱ - Eduard shevardnadze

^۲ - Saakashvili

پذیرش این کشور در پیمان آتلانتیک شمالی شد. همچنین در سال ۲۰۰۸ دولت برای آشکار کردن حمایت مردمی رفراندومی برگزار کرد، که بر اساس آمار رسمی بیش از ۷۷ درصد مردم به عضویت کشورشان در ناتو رای مثبت دادند. علی‌رغم تمامی این اقدامات، بنا به دلایلی گرجستان تاکنون به عضویت ناتو درنیامده است؛ از جمله این که در درون ناتو این درخواست با موانع و مشکلاتی مواجه است. (Dombey, 2008)

اول این که برخی از اعضای ناتو پیوستن گرجستان به پیمان را با توجه به درگیری‌های این کشور با ایالات خودمختار «آبخازیا»^۱ و «اوستیای جنوبی»^۲، چندان به صلاح کشورهای عضو نمی‌دانند. این کشورها معتقدند که عضویت گرجستان در ناتو، این پیمان را وارد درگیری تازه‌ای با روسیه می‌کند و به روابط دوجانبه روبه گسترش بین ناتو و روسیه آسیب می‌زند. به عنوان نمونه، فرانسه و آلمان به شدت مخالف عضویت گرجستان در ناتو هستند. به همین دلیل این دو کشور از جمله مخالفان پیشنهاد دولت بوش مبنی بر پذیرش گرجستان در ناتو بودند. (Clash Over Russia's War in Sochi Talks, 2008)

با وجود این مخالف‌ها، روند همکاری بین ناتو و گرجستان از سال ۲۰۰۳ روبه گسترش نهاد. در واقع اعضای ناتو علی‌رغم مخالفت با پذیرش گرجستان، خواهان همکاری گسترده با این کشور هستند. به عنوان مثال، سران ناتو در سال ۲۰۰۶ تصمیم گرفتند برای گسترش روابط دوجانبه با گرجستان در چارچوب مشارکت برای صلح، یک دفتر نظامی رابط در این کشور ایجاد نمایند. این پیشنهاد مورد قبول گرجستان قرار گرفت و در موافقت‌نامه‌ای این کشور پذیرفت تسهیلاتی را برای عبور و مرور امکانات و سربازان ناتو در خاک خود مهیا نماید. همچنین در این سال تیمی از کارشناسان برجسته ناتو از امکانات و آمادگی نیروی‌های نظامی گرجستان دیدار نمودند تا زمینه همکاری و کمک بیشتر ناتو به این کشور را شناسایی کنند. (Timeline: Nato-Georgia Relation, 2008)

به شکل کلی زمینه‌های همکاری ناتو و گرجستان را می‌توان به همکاری‌های امنیتی، انجام اصلاحات در حوزه‌های نظامی و دفاعی، همکاری در حوزه وقوع حوادث ناگهانی، علمی، محیط زیست و

^۱ - Abkhazian

^۲ - Southern Ossetia

اطلاعات عمومی تقسیم‌بندی نمود. همکاری‌های امنیتی و نظامی بیشتر شکل مشارکت نیروی‌های نظامی گرجستان در عملیات‌های حفظ صلح ناتو را دارد. به عنوان مثال، از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۸ تعدادی از نیروهای نظامی گرجستان تحت فرماندهی نیروهای آلمان و ترکیه در کوزوو با ناتو همکاری داشته‌اند. در جنگ افغانستان نیز ناتو و گرجستان همکاری‌های نسبتاً گسترده‌ای دارند؛ از جمله اینکه گرجستان یک گردان از نیروی‌های زمینی خود را به افغانستان فرستاده است تا ضمن حمایت از

عملیات‌های ناتو، تجربه بین‌المللی آنها افزایش یابد. (Timeline: Nato-Georgia Relation, 2008)

همچنین گرجستان در اجلاس ناتو در لیسبون پرتغال پذیرفت مسئولیت آموزش برخی از نیروهای افغان را بر عهده بگیرد. به همین دلیل این کشور بیش از ۹۵۰ نفر از نیروهای نظامی‌اش را به افغانستان اعزام نموده است. افزون بر این، گرجستان همکاری بسیار خوبی با ناتو در چارچوب مشارکت در «برنامه اقدامات مشترک علیه تروریسم»^۱ دارد. این برنامه شامل همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی، آموزش‌های ضدتروریستی و افزایش امنیت مرزها برای جلوگیری از ورود و خروج تروریست‌ها است. (NATO and Georgia Key Areas of Cooperation, 2011)

در حوزه ایجاد ساختار نظامی و امنیتی نیز همکاری‌های گسترده‌ای بین ناتو و گرجستان وجود دارد. از جمله این که گرجستان تلاش داشته است برنامه‌های اصلاحات نظامی مورد نظر ناتو را اعمال نماید. به عنوان نمونه، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ناتو برای گرجستان، ایجاد تغییرات ساختاری و قانونی با هدف جلوگیری از دخالت نظامیان در فرایند سیاست بوده است. عدم دخالت نظامیان در عرصه سیاست، یکی از مهم‌ترین شروط ناتو برای گسترش روابط و یا پذیرش کشورهای جدید است. به همین دلیل، طی چند سال گذشته اصلاحاتی در ساختار نیروهای نظامی گرجستان صورت گرفته است؛ که نتیجه آنها کاهش دخالت نظامیان در عرصه سیاست و افزایش کنترل سیاسی بر ارتش بوده است. (NATO and Georgia Key Areas of Cooperation, 2011)

یکی دیگر از زمینه‌های همکاری دوجانبه، ایجاد تغییرات در کمیت و کیفیت نیروهای نظامی گرجستان مطابق استانداردهای ناتو است. در این راستا، دولت گرجستان مطابق با رهنمودهای افسران

^۱ - Partnership Action Plan on Terrorism (PAP-T)

برجسته ناتو، اصلاحاتی را در ساختار سلسله مراتب، کمیت و کیفیت نیروهای نظامی خود بوجود آورده است. از جمله این اصلاحات، افزایش کیفیت نیروها و خرید تجهیزات مدرن برای نیروی‌های نظامی و تاکید بر افسران و نیروهای کادری به جای نیروهای وظیفه بوده است.

همکاری در حوزه مقابله با حوادث طبیعی از دیگر حوزه‌های همکاری بین ناتو و گرجستان است. لازم به ذکر است، طی چند سال گذشته دولت گرجستان از ناتو و همچنین «مرکز پاسخ هماهنگ فجایع یورو-آتلانتیک»^۱ درخواست نموده است تا توانایی مراکز مدیریت بحران این کشور برای مقابله با حوادث طبیعی را افزایش دهند. در نتیجه این درخواست، همکاری‌های نسبتاً گسترده‌ای بین کشورهای اروپایی، ناتو و گرجستان در این حوزه شکل گرفته است. ضمن این که بر اساس توافقات حاصل شده، در صورت بروز حوادث طبیعی نیروهای ناتو با اجازه دولت گرجستان می‌توانند وارد این کشور شوند. افزون بر این، کشورهای عضو ناتو همکاری‌های علمی گسترده‌ای در حوزه نظامی با گرجستان دارند. از جمله می‌توان به کمک‌های علمی کشورهای عضو ناتو به بیش از ۴۰ پروژه علمی و نظامی گرجستان اشاره نمود. این کمک‌های علمی بیشتر با هدف بالابردن توان نیروی‌های نظامی گرجستان در زمینه دفاع هوایی و همچنین کاهش خطرات زیست محیطی فعالیت‌های نظامی طراحی شده‌اند. (NATO and

Georgia Key Areas of Cooperation, 2011)

ت. همکاری ترکمنستان و ناتو

ترکمنستان از جمله کشورهای بی‌طرف منطقه آسیای میانه محسوب می‌شود که در راهبرد بی‌طرفی خود تاکید فراوانی بر عدم الحاق به هرگونه اتحاد یا بلوک نظامی، ممنوعیت ایجاد هرگونه پایگاه نظامی، ممنوعیت خرید، تولید و انتشار سلاح‌های اتمی و انواع دیگر سلاح‌های کشتار جمعی و عدم مشارکت در تنش‌های نظامی محلی و منطقه‌ای دارد. تحت تاثیر این راهبرد، ترکمنستان نمی‌تواند در عملیات‌های ناتو همچون سایر کشورهای آسیای میانه مشارکت داشته باشد. در واقع ارسال نیرو برای مشارکت در عملیات‌های نظامی ناتو، خلاف قانون اساسی و راهبرد کلان این کشور است. با این وجود، ترکمنستان

^۱ - Euro-Atlantic Disaster Response Coordination Centre (EADRCC)

از جمله اولین کشورهای آسیای مرکزی است که در سال ۱۹۹۴ به برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو ملحق شد و از ابتدای جنگ آمریکا در افغانستان، یک دالان هوایی در اختیار نیروهای درگیر در عملیات‌های بشردوستانه، امداد و نجات در افغانستان قرار داد. (NATO's Relations with Turkmenistan, 2011)

همکاری‌های ناتو و ترکمنستان، همچون سایر کشورهای آسیای میانه و قفقاز، بیشتر در ارتباط با مسائل امنیتی، حفاظت از محیط زیست و مسائل علمی است. طبق این برنامه‌ها، افسران ناتو به نیروهای نظامی ترکمنستان کمک می‌کنند تا استانداردهای نظامی و امنیتی و همچنین سطح آمادگی خود را برای مقابله با تهدیدات، به خصوص تهدیدات جدید بالا ببرند. شکل این آموزش‌ها به گونه‌ای است که بیشتر با هدف بالابردن توانایی نیروهای نظامی ترکمنستان برای مقابله با گروه‌های تروریستی، سازمان‌های درگیر در جرایم سازمان‌یافته و تجارت مواد مخدر کاربرد دارند. ترکمنستان همچنین یکی از کشورهای فعال در برنامه‌های «شورای همکاری ناتو و روسیه»^۱ است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های این شورا، افزایش توانایی نیروهای نظامی کشورهای منطقه برای مقابله با تجارت گسترده مواد مخدر است که منشاء اصلی آن در افغانستان می‌باشد. (NATO's Relations with Turkmenistan, 2011)

ضمن اینکه ترکمنستان روابط نزدیک نظامی با آمریکا در قالب ناتو و به شکل دوجانبه ایجاد نموده است. به عنوان مثال، دولت آمریکا در امر آموزش نیروهای نظامی و انتظامی ترکمنستان مشارکت دارد و تاکنون چندین دوره آموزشی مختلف از سوی واشنگتن برای نظامیان ترکمن برگزار شده است. (Gazeta, 2008) براساس آمارهای رسمی ارائه شده از سوی دولت آمریکا، این کشور تاکنون بیش از ۴۷۴ نفر از افسران نظامی و امنیتی ترکمنستان را آموزش داده است و ۱۷ میلیون دلار کمک نیز در اختیار این کشور برای تجهیز و نوسازی پاسگاه‌های نظامی، امنیتی و مرزبانی قرار داده است. (Gazeta, 2008)

برنامه‌های آموزشی آمریکا برای ترکمنستان بیشتر برای افزایش اقدامات امنیتی در مرزها و مبارزه با قاچاق مواد مخدر صورت می‌گیرد. به علاوه ترکمنستان همکاری خوبی با آمریکا در زمینه مقابله با

^۱ - NATO-Russia Council

تروریسم دارد. بر اساس گزارش‌های رسمی دولت آمریکا، که هر ساله در مورد اقدامات ضدتروریستی تک‌تک کشورها منتشر می‌شود، ترکمنستان از جمله کشورهایی است که در این زمینه با آمریکا همکاری سطح بالایی دارد. به باور برخی از کارشناسان، تمامی این اقدامات به شکلی مغایر با راهبرد بی‌طرفی ترکمنستان است. (Office of the Coordinator for Counterterrorism, 2008)

ث. همکاری قرقیزستان و ناتو

روابط ناتو و قرقیزستان همچون سایر کشورهای آسیای میانه، بر پایه سازو کارهای همچون مشارکت برای صلح و شورای همکاری یوروآتلانتیک قرار دارد. قرقیزستان در سال ۱۹۹۴ به برنامه مشارکت برای صلح ناتو و در سال ۱۹۹۷ به شورای همکاری یوروآتلانتیک پیوست. این کشور در چارچوب این دو سازوکار همکاری نسبتاً گسترده‌ای با ناتو دارد؛ که هدف اصلی آن تلاش برای بالابردن امنیت منطقه‌ای عنوان شده است. شکل و نوع همکاری قرقیزستان با ناتو شامل همکاری در حوزه‌های چون مبارزه با تروریسم، افزایش امنیت مرزها، ثبات منطقه‌ای، مدیریت بحران‌ها و حوادث طبیعی و آموزش نیروهای نظامی قرقیز برای مشارکت در عملیات‌های صلح ناتو در مناطق و کشورهای دیگر است. در نهایت هدف اصلی این آموزش‌ها آنست که نیروهای نظامی قرقیزستان به استانداردهای ناتو نزدیک شوند و شکل سلسله‌مراتب و ساختار نظامی آنها مورد اصلاح قرار گیرد (NATO's Relations with the Kyrgyz Republic, 2011)

ضمن اینکه واحدهای از نیروی نظامی قرقیزستان توسط کارشناسان نظامی و افسران برجسته ناتو در حال آموزش برای مقابله با تروریسم و ایجاد امنیت در مرزها هستند. همچنین مقامات قرقیزستان بارها از سران ناتو درخواست نموده‌اند که به این کشور در زمینه مین‌زدایی یاری رسانند؛ که این امر مورد قبول ناتو قرار گرفته است. در حال حاضر تعدادی از کارشناسان و افسران برجسته ناتو در حال آموزش سربازان قرقیز برای انجام عملیات مین‌زدایی هستند. به توصیه افسران برجسته ناتو، قرقیزستان برای تکمیل این فعالیت‌ها از کشورهای عضو ناتو امکانات و تجهیزات پیشرفته‌ای برای مین‌زدایی خریداری نموده است. (NATO's relations with the Kyrgyz Republic, 2011)

نیروهای ناتو همچنین به سربازان قرقیز در زمینه انجام عملیات جستجو و نجات در مناطق

کوهستانی یاری می‌رسانند. لازم به ذکر است که قرقیزستان کشوری کوهستانی محسوب می‌شود؛ که این مساله مبارزه با گروه‌های تروریستی و همچنین جرایم سازمان‌یافته در این کشور را به شدت مشکل نموده است. به همین دلیل، مقامات قرقیزستان بر این باورند که آموزش سربازان قرقیز برای انجام عملیات‌های جستجو و نجات، علاوه بر بعد مدنی می‌تواند به این کشور در زمینه مبارزه با انواع تهدیدات جدید از جمله تروریسم و جرایم سازمان‌یافته کمک فراوانی نماید. (NATO's relations with the

Kyrgyz Republic, 2011)

نکته مهم دیگر در مورد قرقیزستان به این مساله برمی‌گردد که این کشور روابط بسیار نزدیکی با آمریکا در قالب ناتو و یا به شکل دوجانبه دارد. البته قرقیزستان همچون سایر کشورهای آسیای میانه، روابط نزدیک نظامی با ناتو و آمریکا تا قبل از بروز حوادث ۱۱ سپتامبر نداشت. عمده روابط دو کشور تا قبل از بروز حوادث ۱۱ سپتامبر، به حمایت‌های سیاسی و کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا از این کشور برمی‌گشت. به عنوان مثال، می‌توان به کمک‌های فنی آمریکا به این کشور در زمینه پاک‌سازی سایت هسته‌ای به جای مانده از اتحاد جماهیر شوروی اشاره نمود. با این وجود از زمان بروز ۱۱ سپتامبر و بدنبال آن حمله آمریکا به افغانستان شرایط تغییر کرد و فضا برای همکاری بیشتر بین قرقیزستان با آمریکا و ناتو فراهم شد. به عنوان مثال، قرقیزستان تحت تاثیر شرایط پس از ۱۱ سپتامبر و جو ایجادشده در منطقه، پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار نیروهای ناتو و آمریکا قرار داد.

ضمن اینکه از اکتبر سال ۲۰۰۱ پنتاگون «پایگاه هوایی ماناس»^۱ را با وجود مخالفت‌های مقامات روسیه در اختیار گرفت. لازم به ذکر است که این پایگاه نقشی راهبردی در حمایت از عملیات نظامی آمریکا در افغانستان ایفا می‌کند. به عنوان نمونه، تاکنون بیش از ۱۷ هزار نفر از نیروهای نظامی ائتلاف ناتو از طریق این پایگاه تجهیز و به خاک افغانستان وارد شده‌اند. علاوه بر آن پایگاه ماناس به یک مرکز ترانزیتی برای جابه‌جایی ۵۰۰۰ تن محموله‌های نظامی شامل قطعات و تجهیزات یدکی، یونیفورم و سایر اقلام مورد نیاز نیروهای نظامی مستقر در افغانستان تبدیل شده است. به طور معمول حدود ۱۰۰۰

^۱ - Manas Air Base

سرباز آمریکایی و تعدادی از نیروهای نظامی اسپانیایی و فرانسوی در این پایگاه حضور دارند. (Bureau of South and Central Asian Affairs, 2009)

افزون بر این، قرقیزستان در زمینه خرید نظامی، بیشترین همکاری را با کشورهای عضو ناتو به خصوص آمریکا دارد. بر اساس گزارش سال ۲۰۰۷ میلادی وزارت امور خارجه آمریکا، قرقیزستان طی این سال ۲۰ میلیون دلار سلاح و تجهیزات نظامی از جمله وسایل الکترونیک و تجهیزات توپخانه از آمریکا وارد کرده است. در این گزارش مبلغ هزینه شده از سوی تاجیکستان برای خرید تجهیزات نظامی آمریکایی، حدود ۷ میلیون دلار برآورد شده است. براساس گزارش مذکور، حجم هزینه‌های قزاقستان برای خرید تجهیزات نظامی از آمریکا ۸۶۱ هزار دلار شامل مواد منفجره، فناوری هواپیما و وسایل توپخانه بوده است. ترکمنستان نیز در همین سال از آمریکا ۱۰۰ هزار دلار تجهیزات نظامی وارد کرده است. طبق این گزارش، ازبکستان با خرید ۷۹ هزار دلار تجهیزات نظامی، کمترین میزان واردات از آمریکا را در بین پنج کشور آسیای مرکزی داشته است. (<http://www.sarmayeh.net>)

ج. روابط قزاقستان و ناتو

روابط میان ناتو و قزاقستان از سال ۱۹۹۲ با پیوستن این کشور به شورای همکاری یورو-آتلانتیک آغاز شد. از آن زمان تاکنون، همکاری‌هایی نسبتاً گسترده‌ای میان ناتو و قزاقستان وجود داشته است؛ از جمله می‌توان به مواردی همچون رزمایش‌های سالانه به منظور بهبود آمادگی واحدهای حافظ صلح قزاقستان، پیوستن قزاقستان به طرح بزرگراه ابریشم مجازی، افتتاح مرکز اطلاعاتی ناتو در دانشگاه فارابی و افتتاح کتابخانه ناتو در کتابخانه ملی قزاقستان اشاره نمود. (آمریکا و انتخاب قزاقستان به جای پایگاه نظامی ماناس، اردیبهشت ۱۳۸۹)

بر این مبنای می‌توان گفت روابط میان ناتو و قزاقستان در ابعاد مختلف در حال گسترش است و یکی از عینی‌ترین نمونه‌های آن موافقت رسمی قزاقستان با درخواست آمریکا برای استفاده از حریم هوایی این کشور برای اعزام نیرو و تدارکات به افغانستان است. در مقابل، آمریکا طی یک توافقنامه رسمی قول مساعدت در رشد برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز قزاقستان را داده است. براساس این توافقنامه، در آینده راکتور تحقیقاتی «آلاتاو» در قزاقستان با سوختی جدید و بی‌خطر در سطح استانداردهای آمریکا فعالیت

خواهد کرد. ضمن اینکه در حال حاضر قزاقستان با کمک مالی آمریکا به بزرگترین تولیدکننده اورانیوم جهان تبدیل شده است. (آمریکا و انتخاب قزاقستان به جای پایگاه نظامی ماناس، اردیبهشت ۱۳۸۹)

آمریکا و ناتو دلایل متعددی برای همکاری با قزاقستان دارند. یکی از دلایلی که تاکید فراوانی بر آن صورت می‌گیرد، مساله نفت و گاز قزاقستان است. در میان کشورهای آسیا مرکزی قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان دارای بالاترین ذخایر انرژی و به ویژه نفت و گاز هستند و منابع عظیم انرژی این منطقه به مثابه منابع رقیب انرژی خاورمیانه از اهمیت فراوانی برای جهان غرب برخوردار است. در نتیجه این امر، کشورهای غربی تلاش دارند تا با استفاده از تمامی ابزارهای در دسترس به شکلی میزان امنیت انرژی خود را بالا ببرند. همان گونه که اشاره شد، ناتو یکی از ابزارهای است که کشورهای غربی از آن برای تضمین دسترسی به انرژی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، همان گونه که غرب قصد دارد با ورود ناتو به خاورمیانه امنیت انرژی وارداتی خود از این منطقه را بالا ببرد، به همین شکل قصد دارد با افزایش همکاری‌های ناتو با کشورهای آسیای میانه و قفقاز نیز به منابع غنی نفت و گاز این منطقه دست یابد. (Abenheim, 2003)

بنابراین می‌توان گفت، ناتو بازوی نظامی کشورهای غربی برای تامین امنیت انرژی مناطق نفت خیز جهان همچون منطقه خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز محسوب می‌شود. به طور کلی از نگاه سران ناتو، احتمال اقدامات تروریستی در کشورهای اصلی صادرکننده نفت، بروز دگرگونی‌های سیاسی داخلی، اختلاف بین کشورهای محل ترانزیت انرژی، احتمال خرابکاری در این خطوط و استفاده ابزاری از این کالای راهبردی، تهدیدات و خطراتی هستند که مقابله با آن باید در دستور کار پیمان باشد و نقش‌های جدیدی در این خصوص برای ناتو تعریف گردد. (ثقفی عامری، ۱۳۸۶)

عامل موثر دیگر در گسترش تعاملات ناتو و قزاقستان، مساله هم‌مرزی این کشور با چین است. لازم به ذکر است که فروپاشی شوروی تهدیدات و فرصت‌های فراوانی برای چین به وجود آورد. به عنوان نمونه همجواری با سه جمهوری آسیای مرکزی و موضوع کنترل مرزها، جدایی طلبی، تهدیدات افراط‌گرایان مذهبی و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای، مهم‌ترین تهدیدات جدید امنیتی چین پس از فروپاشی شوروی محسوب می‌شوند. در نتیجه این تهدیدات، چین مجبور شده است تا با تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای نظیر شانگهای و نیز همکاری دوجانبه با جمهوری‌های این منطقه، با این

تهدیدات به مقابله برخیزد. ضمن اینکه چین همچون کشورهای غربی تمایل فراوانی برای حضور در بازار انرژی منطقه دارد. (Swanstrom, 2005) در مقابل کشورهای غربی ورود چین به آسیای میانه را در راستای منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی خود ارزیابی نمی‌کنند؛ به همین دلیل رقابت سختی بین دو طرف در این منطقه شکل گرفته است که یکی از مهم‌ترین محورهای آن رقابت بر سر قزاقستان می‌باشد. در این راستا باید ناتو را یکی از ابزارهای غرب در رقابت با چین برای ورود به منطقه آسیای میانه ارزیابی نمود. (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، ۱۳۸۸)

از طرف دیگر، قزاقستان نیز دلایل خاصی برای گسترش روابط با ناتو دارد. دلایل تمایل قزاقستان نسبت به برقراری ارتباطات نزدیک‌تر با ناتو را می‌توان در عواملی مثل تامین امنیت، ایجاد مانع در برابر سلطه روسیه و کمک به کنترل منازعات احتمالی داخلی و منطقه‌ای جستجو کرد. به هر حال، قزاقستان همچون سایر کشورهای آسیای میانه و قفقاز با مشکل تعارض روابط همزمان با روسیه و کشورهای غربی مواجه است. این کشور از سویی به پیوندهای سیاسی و نظامی خود با روسیه تاکید دارد و از سوی دیگر به گسترش روابط خود با ناتو تمایل نشان می‌دهد. علی‌رغم وجود این تعارض، گسترش تعاملات اخیر ناتو و قزاقستان، حاکی از آن است که ناتو متحد نزدیک منطقه‌ای مسکو در آسیای مرکزی یعنی قزاقستان را مورد هدف قرار داده است و مخالفت‌های روسیه تاثیر چندانی بر این روند نداشته است. (چشم انداز روابط قزاقستان و ناتو، خرداد ۱۳۸۹)

در نهایت باید به روابط نزدیک قزاقستان و آمریکا در قالب ناتو و یا به شکل دوجانبه اشاره نمود. لازم به اشاره است که در میان کشورهای آسیای میانه، قزاقستان بیش از همه مورد توجه آمریکا قرار دارد. علت اهمیت قزاقستان برای آمریکا در آنست که این کشور مرزهای طولانی با روسیه دارد و بزرگترین و قوی‌ترین کشور آسیای میانه محسوب می‌شود. به همین دلیل آمریکا در حال حاضر و در قیاس با سایر کشورهای منطقه، بالاترین میزان همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی را با قزاقستان دارد. در این راستا، واشنگتن مهمترین سرمایه‌گذار خارجی قزاقستان محسوب می‌شود و تاکنون سرمایه‌ای بیش از ۱۷ میلیارد دلار را به اقتصاد این کشور وارد نموده است. این مقدار سرمایه‌گذاری در حدود ۲۵ درصد مجموع سرمایه‌های خارجی قزاقستان را تشکیل می‌دهد. مبادله تجاری میان دو کشور نیز در سال ۲۰۰۸ بالغ به ۲,۵ میلیارد دلار ارزیابی شده است. بر اساس آمار موجود، حدود ۴۰۰ شرکت

آمریکای در عرصه‌های مختلف اقتصادی و تجاری قزاقستان فعالیت انجام می‌دهند؛ که این مساله اهمیت نقش آمریکا در مبادلات تجاری و اقتصادی این کشور را نشان می‌دهد. (چشم انداز روابط قزاقستان و ناتو، خرداد ۱۳۸۹)

دو طرف همچنین در عرصه نظامی و امنیتی همکاری‌های نزدیکی دارند. به عنوان نمونه، اولین برنامه پنج ساله امنیتی میان دو کشور در سال ۲۰۰۳ و در پی ورود نیروهای آمریکا به افغانستان به امضا رسید؛ که در سال ۲۰۰۹ مورد بازبینی و تأیید مجدد قرار گرفت. هدف این برنامه تعمیق همکاری‌های قزاقستان با آمریکا در زمینه‌های دفاعی - امنیتی، تجهیز نظامی، آموزش کادر نظامی و انجام عملیات‌های حفظ صلح است. در چهارچوب نخستین برنامه پنج ساله، آمریکا بخشی از تجهیزات نظامی، بخصوص دستگاه‌های ویژه تجسس و چندین فروند بالگرد و ماشین‌های نظامی را به ارتش قزاقستان اعطاء نمود.

همچنین طی چند سال گذشته، بیش از ۳۰۰ نفر افسران قزاق در موسسات نظامی آمریکا آموزش دیده‌اند. به علاوه دو کشور چندین دور تمرینات مشترک نظامی با هماهنگی ناتو برگزار کرده‌اند؛ که هدف آنها ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر در امر مبارزه با چالش‌های پیش روی منطقه، بویژه تروریسم و افراط‌گرایی عنوان شده است. در زمینه واگذاری کانال هوایی و بهره‌برداری از امکانات زیربنایی نظامی نیز دو یادداشت تفاهم بین مقامات دو کشور به امضا رسیده است. (<http://connection.ebscohost.com>)

به علاوه چندی پیش، فرمانده نیروهای مسلح آمریکا در آسیای مرکزی و خاورمیانه در پایان دیدار با وزیر دفاع قزاقستان، تفاهم‌نامه همکاری مشترک در زمینه آموزش پرسنل نظامی و تقویت سامانه‌های آموزش نیروی انسانی قزاقستان را امضا نمود. آموزش نظامیان قزاق در موسسه‌های آموزشی آمریکا از جمله در دانشگاه ملی وزارت دفاع (پنتاگون)، دانشکده‌های وابسته به وزارت دفاع و ستاد مرکزی نیروهای مسلح آمریکا نیز از دیگر محورهای مورد توافق طرفین بوده است. بر اساس توافقات حاصل شده، قرار است دولت آمریکا بیش از ۱۰ میلیون دلار برای آموزش ۳۶۰ تن از نظامیان قزاقستان در ۳۰ رشته نظامی اختصاص دهد. بر اساس طرح وزارت دفاع قزاقستان قرار است بخش قابل توجهی از این مبلغ برای اجرای برنامه‌های آموزشی پرسنل نظامی قزاقستان در موسسه‌های نظامی آمریکا، از جمله آکادمی نظامی «وست پوینت»، دانشکده‌های نظامی و دانشگاه ملی نیروهای مسلح آمریکا هزینه

چ. روابط آذربایجان و ناتو

تماس و ارتباط رهبران باکو با ناتو در همان اوایل استقلال این جمهوری و در زمان ریاست جمهوری «ابوالفضل ایلچی‌بیگ» در سال ۱۹۹۲ آغاز شد. البته آذربایجان در سال‌های اولیه درگیر مسائل داخلی و شرایط نهنپندان مناسب پس از استقلال بود؛ به همین دلیل مسائل بین‌المللی از جمله همکاری با ناتو در حاشیه توجه مقامات این کشور قرار داشت. با این وجود با به قدرت رسیدن «حیدر علیف»، این کشور شروع به همکاری عملی با ناتو نمود و در سال ۱۹۹۴ به عضویت برنامه «مشارکت برای صلح» ناتو درآمد. البته در دهه ۹۰ روابط آذربایجان و ناتو همچون روابط سایر کشورهای منطقه با ناتو، تحت فشار شدید روسیه چندان عمیق نبود. (همکاری‌های جمهوری آذربایجان و ناتو، ۱۳۸۷) با این وجود از سال ۲۰۰۱ و به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر شرایط برای همکاری بیشتر بین دوطرف مهیا شد. از جمله اینکه آذربایجان و ناتو در سال ۲۰۰۶ با امضای توافق‌نامه‌ای در بروکسل همکاری دوجانبه خود را به موازات همکاری دسته جمعی در چارچوب «برنامه مشارکت برای صلح» آغاز کردند.

محورها و موضوعات همکاری ناتو و جمهوری آذربایجان در قالب برنامه مشارکت برای صلح، شامل مواردی همچون آموزش نیروهای نظامی آذربایجانی مطابق با استانداردهای ناتو، شرکت نیروهای آذری در تمرینات و مانورهای ناتو، استفاده ارتش آذربایجان از فناوری‌های نظامی و دفاعی ناتو و شرکت نیروهای آذربایجانی در برنامه‌ها و فعالیت‌های صلح‌بانی ناتو می‌گردد. ضمن اینکه در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح، دوره‌های آموزشی و کلاس‌های تدریس متعددی در آذربایجان تاکنون برگزار شده است و تعدادی از نیروهای نظامی آذری در آنها شرکت کرده‌اند. (همکاری‌های جمهوری آذربایجان و ناتو، ۱۳۸۷)

یکی دیگر از موارد همکاری دسته جمعی دوطرف که ذیل «برنامه مشارکت برای صلح» تعریف شده است، اعزام نیروهای صلح‌بان آذری به مناطق درگیری است. از زمانی که آذربایجان همکاری خود با ناتو را در قالب این برنامه شروع کرده است، سربازان و نیروهای صلح‌بان این جمهوری به سه کشور جنگ‌زده صربستان (کوزوو)، افغانستان و عراق اعزام شده‌اند و زیر نظر فرماندهان ناتو به انجام

ماموریت‌های محوطه اقدام نموده‌اند. سربازان صلح‌بان اعزامی آذربایجان به کوزوو و افغانستان با توجه به تعداد کم آنها در ترکیب نظامیان ترکیه وارد عمل شدند، ولی این نیروها در عراق، که بر اساس اخبار منتشره حدود ۱۵۰ نفر هستند، تحت فرماندهی مستقیم آمریکا قرار دارند. (NATO's Relations with

Azerbaijan, 2011)

لازم به اشاره است که آذربایجان همچون سایر کشورهای آسیای میانه و قفقاز دارای انگیزه‌های خاصی برای همکاری با ناتو است. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آذربایجان برای همکاری نزدیک با ناتو، به مساله بخرنج «قره‌باغ» برمی‌گردد. در این زمینه دولت‌مردان آذربایجان برای حل مشکل قره‌باغ و آزادی اراضی از دست رفته، دست به تلاش‌های همه جانبه‌ای زده‌اند که جهت‌گیری عمده آنها توسل به غرب و تلاش در جهت جلب کمک و حمایت قدرت‌های غربی بوده است. بنابراین یکی از علت‌های همکاری آذربایجان با ناتو، تقویت موضع این کشور در برابر دولت ارمنستان است که از حمایت‌های روسیه نیز برخوردار می‌باشد. البته بسیاری بر این باورند که آذربایجان نمی‌تواند امید چندانی داشته باشد تا با تقویت روابط با ناتو بتواند ارمنستان را تحت فشار قرار دهد. (NATO's Relations with

Azerbaijan, 2011)

دلیل دیگر گسترش روابط آذربایجان و ناتو به ماهیت و جهت‌گیری کلان سیاست خارجی این کشور برمی‌گردد. جمهوری آذربایجان پس از کسب استقلال با هدف ایجاد یک نظام و ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدید، الگوی غرب را انتخاب کرده است و تلاش نموده تا با فاصله گرفتن از روسیه چهره‌ای غربی از خود ارائه نماید. با توجه به این موضوع، تلاش آذربایجان برای پیوستن به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی غربی، نظیر پارلمان اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا و نیز همکاری با ناتو در این راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

در نهایت دلیل دیگر تمایل آذربایجان برای گسترش همکاری با ناتو، نگرانی‌های تاریخی از نیت روسیه است. لازم به اشاره است، آذربایجان طی قرن بیستم تقریباً به شکل مداوم تحت اشغال روسیه بوده است و در حال حاضر نیز مقامات و مردم این کشور نگرانی‌هایی در مورد اهداف مسکو دارند. البته این نگرانی تنها اختصاص به آذربایجان ندارد و تمامی کشورهای جدا شده از شوروی چنین نگرش منفی نسبت به اهداف بلندمدت روسیه دارند. ضمن اینکه تحولات یک دهه اخیر، به خصوص حمله روسیه به

گرجستان و حمایت از ایالات جداشده آبخازیا و اوستیای جنوبی به تقویت این نگرش کمک نموده است. به همین دلیل آذربایجان و سایر کشورهای این منطقه روابط با ناتو را عاملی برای تضمین استقلال و تمامیت ارضی خود در مقابل دخالت‌ها و یا تجاوزات نظامی روسیه می‌دانند.

در مقابل کشورهای عضو ناتو و به خصوص آمریکا نیز اهداف مهمی برای گسترش روابط با آذربایجان دارند. در این راستا، جمهوری آذربایجان قبل از آنکه برای ناتو یک هدف محسوب شود، یکی از حلقه‌های زنجیره گسترش آن به سمت شرق به شمار می‌رود. ضمن اینکه آذربایجان شرایط و ویژگی‌هایی برجسته‌ای دارد که نسبت به دیگر کشورهای منطقه از اهمیت و حساسیت بیشتری برای ناتو برخوردار است. از جمله می‌توان به مواردی همچون داشتن ذخایر نفت و گاز قابل توجه، قرار گرفتن در حاشیه دریای خزر و داشتن سواحل طولانی با آن، همسایگی با فدراسیون روسیه و همسایگی و داشتن مرزهای طولانی با ایران اشاره نمود. ضمن اینکه آذربایجان پل ارتباطی قفقاز با آسیای مرکزی از طریق دریای خزر محسوب می‌شود؛ که برای کشورهای غربی این مساله به خصوص برای دسترسی به نفت و گاز کشورهای آسیای میانه اهمیت فراوانی دارد. (NATO's Relations with Azerbaijan, 2011)

ح. روابط ارمنستان و ناتو

ناتو و ارمنستان همکاری‌های متعددی در ابعاد مختلف دارند، اما بنیاد همکاری دوجانبه در قالب برنامه «مشارکت برای صلح» طرح‌ریزی شده است. در واقع، ناتو در قالب برنامه مشارکت برای صلح برنامه‌ای به صورت اختصاصی برای همکاری با ارمنستان و نقشه راه گسترده‌ای برای اصلاحات در این کشور تنظیم نموده است. چگونگی برنامه همه‌جانبه و گسترده مشارکت برای صلح به روند گفتگوهای میان ناتو و ارمنستان بستگی دارد و از اصلاحات صنایع دفاعی و دموکراسی در ارمنستان حمایت می‌کند. گستردگی ماهیت مشارکت برای صلح این معنی را می‌دهد، که ارمنستان نه تنها در حوزه صنایع نظامی با ناتو همکاری کند، بلکه به طور مرتب با این پیمان در مورد حاکمیت قانون، شفافیت، اصلاحات، مقابله با تروریسم و مبارزه علیه رشوه‌گیری همکاری دارد. (NATO's Relations with

Armenia, 2011)

فراوتر از تمرکز بر روی اصلاحات، پشتیبانی ارمنستان از عملیات‌های تحت رهبری ناتو در مناطق

مختلف جهان، حوزه مهم دیگر همکاری دوجانبه را تشکیل می‌دهد. به عنوان نمونه، صلح بانان ارمنی هم اکنون بخشی از نیروهای حافظ صلح در کوزوو هستند. ارمنستان همچنین یکی از واحدهای سهیم در نیروهای امنیتی بین‌المللی در افغانستان است. در نهایت باید به همکاری ارمنستان با ناتو برای بالابردن قابلیت‌های همکاری نیروهای مسلح ارمنستان اشاره نمود. این طرح شامل ایجاد یک تیپ صلح‌بانی با پشتیبانی نظامی در ارمنستان می‌باشد که قرار است در سطح استانداردهای ناتو باشد. در کنار آن ناتو و ارمنستان در حال همکاری برای اصلاحات روش آموزش ارتش ارمنستان می‌باشند. ارمنستان همچنین یکی از فعال‌ترین کشورها در منطقه آسیای میانه و قفقاز در زمینه برنامه مقابله با تروریسم است و در این زمینه فعالیت‌های نسبتاً گسترده‌ای با ناتو دارد. (روابط ناتو با ارمنستان، ۱۳۹۰)

از دیگر زمینه‌های همکاری ناتو و ارمنستان می‌توان به همکاری دوجانبه در بازبینی برنامه‌های مدیریت بحران ملی، اصلاحات بخش امنیت و صنایع دفاع اشاره نمود. ضمن اینکه اولویت کلیدی برای ارمنستان، تضمین نظارت دموکراتیک بر نیروهای مسلح است. در واقع شرکت ارمنستان برای همکاری در برنامه «ساختار تاسیسات دفاعی» ناتو به منظور تقویت این امر صورت می‌گیرد. همچنین ناتو و ارمنستان در حال همکاری در مورد طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، برنامه‌ریزی دفاعی و روش‌های تعیین اعتبار برای امور دفاعی هستند؛ که ابزارهای کلیدی برای هدایت و اجرای برنامه‌های بازبینی دفاع راهبردی ارمنستان محسوب می‌شوند. علاوه بر این، یک مرکز ناتو در ایروان تاسیس شده است که این مرکز به مدیریت بحران و هماهنگی برای مبارزه با تروریسم در این کشور کمک می‌کند. (روابط ناتو با ارمنستان، ۱۳۹۰)

۳. حضور ناتو در منطقه و امنیت جمهوری اسلامی

همان‌طور که بحث شد، روند حضور ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به شدت گسترش یافته است. در واقع عمق همکاری‌های بین ناتو و برخی از این کشورها پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به سطحی رسیده است که حتی در مواقعی صحبت از عضویت آنها در ناتو می‌شود. ضمن اینکه گسترش حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز را باید بخشی از سناریوی حضور گسترده‌تر ناتو در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و اعمال فشار بیشتر بر آن ارزیابی نمود. لازم به ذکر است که

حضور ناتو در محیط پیرامونی و سرتاسر مرزهای جمهوری اسلامی ایران به حدی گسترش یافته است که برخی از کارشناسان صحبت از محاصره ایران توسط ناتو نموده‌اند. (Rozoff, 2010) به عنوان نمونه، در حال حاضر نیروی‌های ناتو حضور گسترده‌ای در افغانستان و تا اندازه بسیار محدودی در عراق دارند. (Philip Gordon, 2005 and and Rick Rozoff, 2010) همچنین ناتو با تمامی کشورهای عضو «شورای همکاری خلیج فارس»^۱، در چارچوب «ابتکار همکاری استانبول»^۲ دارای موافقت‌نامه‌های در حوزه امنیتی، نظامی و اطلاعاتی است. (Istanbul Cooperation Initiative (ICI), 2008) ضمن اینکه ناتو تاکنون دوبار به بهانه‌ای مختلف، از جمله سیل چندی پیش پاکستان وارد این کشور شده و با نیروی نظامی پاکستان همکاری نزدیکی در عملیات شناسایی و نجات داشته است، که به باور بسیاری می‌تواند مقدمه‌ای برای حضور بیشتر ناتو در این کشور باشد. (NATO Reaches Pakistan to Help Flood Victims, 2010)

افزون بر این، ترکیه همسایه دیگر جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین کشورهای عضو ناتو و تنها کشور اسلامی و خاورمیانه‌ای عضو پیمان آتلانتیک شمالی محسوب می‌شود، که پس از آمریکا بیشترین نیروی نظامی را در اختیار ناتو قرار می‌دهد. ترکیه حتی فرماندهی جنوب شرقی ناتو که به اختصار «آفسوت»^۳ خوانده می‌شود و شامل سه کشور یونان، ترکیه و ایتالیا است را بر عهده دارد. این فرماندهی مسئولیت حفاظت از دریای سیاه و مدیترانه را بر عهده دارند. ضمن اینکه فرماندهی زمینی آفسوت ناتو در ازبکستان قرار دارد و تحت سرپرستی ترک‌ها اداره می‌شود. همچنین بر اساس توافقات ترکیه و ناتو، واحدهایی از نیروی دریایی آمریکا به همراه بخشی از ناوگان ششم دریایی و واحدهای هوایی آمریکا در ترکیه مستقر هستند که شامل حداقل ۳ پایگاه هوایی و دریایی است. (Rick Rozoff, 2009)

ترک‌ها حتی اخیراً با پیشنهاد آمریکا برای ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در خاک کشورشان موافقت

^۱ - Gulf Cooperation Council (GCC)

^۲ - Istanbul Cooperation Initiative (ICI)

^۳ - AFSOUTH

نموده‌اند که این مساله در ابعاد مختلف امنیت جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه نموده است. از جمله اینکه نهایی شدن این طرح باعث نظارت سامانه‌های آن بر فعالیت‌های نظامی و امنیتی کشورهای منطقه می‌شود و اطلاعات نظامی آنها را با سایر کشورها انتقال می‌دهد. همچنین این سامانه‌ها توانایی نسبتاً بالایی در شناسایی و خنثی نمودن موشک‌های میان‌برد و بلندبرد دارند، که این مساله بازدارندگی کشورهای منطقه را به شدت کاهش می‌دهد. (Rose, Frank A, 2010)

بنابراین با توجه به حضور ناتو در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، باید تهدیدات ناشی از حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز را در چارچوب راهبرد کلان این پیمان، که عمدتاً تحت تاثیر راهبرد کلان آمریکا در قبال منطقه خاورمیانه و آسیای میانه و قفقاز است، مورد ارزیابی قرار داد. به عبارت دیگر، بررسی تهدیدات امنیتی ناشی از حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز، بدون توجه به راهبرد کلان آمریکا برای محاصره ایران نمی‌تواند به تحلیل کامل در این زمینه دست یابد. بر این مبنا، حضور ناتو در آسیای میانه و قفقاز را باید با توجه به حضور این پیمان در خاورمیانه و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و با هدف افزایش فشار و محاصره ایران مورد ارزیابی قرار داد.

افزون بر این، با توجه به این که سیاست رسمی جمهوری اسلامی خروج ابرقدرت‌ها از خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز و واگذاری مسائل امنیتی به کشورهای منطقه است؛ حضور ناتو و نهادینه شدن نقش آمریکا در منطقه نمی‌تواند در راستای منافع کشور باشد. بر این اساس، جمهوری اسلامی معتقد است، مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در منطقه به حضور نیروهای بیگانه برمی‌گردد؛ در نتیجه خروج این نیروها به معنای بهبود وضعیت امنیتی خواهد بود. به عنوان مثال، جمهوری اسلامی در این زمینه به نقش مخرب و موثر ابرقدرت‌ها در جنگ عراق علیه ایران و کویت، جنگ و درگیری بین اسرائیل و اعراب، اشغال نظامی عراق و افغانستان و همچنین رقابت‌های موجود در منطقه آسیای میانه و قفقاز اشاره می‌کند. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که در تمامی این موارد، آمریکا نقش اول را در بی‌ثبات‌سازی منطقه بازی نموده است؛ به همین دلیل خواهان خروج نیروی‌های بیگانه از منطقه و واگذار نمودن امور به کشورهای منطقه است.

با توجه به این سیاست، ورود ناتو به منطقه پیرامونی ایران و تقویت حضور آمریکا با منافع و سیاست‌های جمهوری اسلامی در تضاد است. علت این امر در آنست که حضور ناتو نقش و نفوذ آمریکا

و غرب را در منطقه نهادینه می‌کند. از طرف دیگر، حضور ناتو به معنای تقویت حضور آمریکا در منطقه و در چارچوب رقابت راهبردی آمریکا و ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی خواهد بود. به تعبیری دیگر، حضور ناتو به عنوان پیمانی امنیتی با عضویت ۲۸ کشور که همگی طرفدار الگوها و ارزش‌های غربی در چارچوب «لیبرال_دموکراسی» هستند، به تقویت این موضع در منطقه خواهد انجامید. (Cordesman, Kocharlakota and Seitz, 2010)

ضمن این که ناتو دارای سازوکار سازمانی است که با حضور ملی کشورهای چون آمریکا در منطقه تفاوت دارد. به عبارت دیگر، حضور آمریکا در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی به شکل ملی و بر اساس توافق با کشورهای منطقه است؛ در مقابل حضور ناتو با توجه به سازوکار سازمانی صورت می‌گیرد که بسیار پیچیده‌تر و نهادینه‌تر از حضور ملی آمریکا است. منظور از پیچیده‌تر و نهادینه‌تر به توافقاتی برمی‌گردد که کشورهای منطقه با ناتو به عنوان یک پیمان امنیتی می‌بندند. معمولاً تعهدات کشورها به پیمان‌های چون ناتو نهادینه‌تر و عمیق‌تر از توافقات دوجانبه است. بر این مبنا، در صورتی که حضور ناتو در منطقه نهادینه شود، خروج این پیمان از منطقه بسیار مشکل‌تر از خروج آمریکا خواهد بود. در واقع تلاش جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در پیمان شانگهای و همکاری نزدیک‌تر با چین و روسیه در آسیای میانه و قفقاز، نشانگر آگاهی از این تهدید و تلاش برای ایجاد ممانعت از ورود بیشتر ناتو به منطقه است.

نتیجه‌گیری

به شکل کلی روند حضور ناتو در منطقه آسیای میانه و قفقاز را می‌توان به دو مقطع پیش و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تقسیم نمود. در مراحل اول، که از فروپاشی شوروی آغاز و تا حوادث ۱۱ سپتامبر تداوم یافت، ناتو تلاش نمود به هر شکل ممکن وارد معادلات امنیتی کشورهای آسیای میانه و قفقاز شود. با این وجود، ناتو در این مرحله بنا به دلایلی نتوانست به اهداف تعیین شده دست یابد و عمده همکاری‌ها در سطح بسیار محدودی باقی ماند. مهم‌ترین علت این موضوع نیز به تعارضی برمی‌گشت که در سیاست خارجی تمامی این کشورها وجود داشت. در این راستا، این کشورها تلاش داشتند با کشورهای غربی رابطه داشته باشند تا به شکلی نشان‌دهنده استقلال‌شان باشد؛ با این وجود همیشه این

مساله باعث ناراحتی روسیه و در نتیجه تشدید فشار بر آنها می‌شد. به هر حال این کشورها تازه از شوروی استقلال گرفته بودند و همچنان وابستگی فراوانی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی به روسیه داشتند. در نتیجه واکنش روسیه می‌توانست در ابعاد مختلف آنها را با مشکلاتی مواجه کند. در واقع نقش برجسته روسیه در سیاست خارجی کشورهای منطقه آسیای میانه در دهه ۹۰ به حدی بود که مانع همکاری عمیق‌تر آنها با غرب می‌شد.

با این وجود، حوادث ۱۱ سپتامبر به شکل کلی این وضعیت را دچار تغییرات اساسی نمود. به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر، آمریکا با طرح مبارزه علیه تروریسم وارد افغانستان شد. همین مساله باعث شد تا فضا برای همکاری ناتو با کشورهای آسیای میانه و قفقاز مهیا شود. از آن به بعد، همکاری عمیق و حتی اعطای پایگاه نظامی به ناتو و آمریکا برای کشورهای آسیای میانه‌ای به امری عادی تبدیل شد و همکاری‌های نظامی دوجانبه به شدت روبه گسترش نهاد. ضمن اینکه کشورهای منطقه با توجه به تحولات حادث‌شده، نگرانی کمتری از واکنش روسیه در قبال همکاری آنها با ناتو و آمریکا داشتند. علت این موضوع نیز به همراهی روسیه با طرح مبارزه علیه تروریسم آمریکا برمی‌گشت؛ که خود بهانه‌ای برای روس‌ها شد تا با خیال راحت به سرکوب اسلام‌گرایان مخالف در سطح منطقه مشغول شوند.

در نتیجه این شرایط، در حال حاضر روابط نسبتاً گسترده‌ای بین ناتو و کشورهای آسیای میانه و قفقاز وجود دارد و حتی گاه‌گاه صحبت از عضویت برخی از این کشورها همچون گجستان در ناتو می‌شود. همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین حوزه‌های همکاری ناتو با این کشورها شامل آموزش‌های نظامی افسران برجسته ناتو در کشورهای منطقه، انجام اصلاحات گسترده در ساختار سلسله‌مراتب، فرماندهی و همچنین مشارکت نیروهای نظامی کشورهای منطقه در عملیات‌های نظامی ناتو در سطح جهان است. افزون بر این، همکاری در حوزه‌های چون مبارزه با تروریسم، جرایم سازمان‌یافته، امنیت مرزی و امنیت منطقه‌ای سایر حوزه‌های همکاری را تشکیل می‌دهند. به هر حال، همان‌گونه که مفصلاً بحث شد، این روند به هیچ عنوان در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد و باید با اتخاذ سیاست‌های مانع‌تداوم این شرایط شد.

منابع فارسی

- «آمریکا و انتخاب قزاقستان به جای پایگاه نظامی ماناس: بررسی استراتژیک»، (۱۳۸۹)، اردیبهشت، قابل دسترس در:

<http://strategicreview.org/?p=15092>

- «چشم انداز روابط قزاقستان و ناتو»، (۱۳۸۹)، *ابرار*، خرداد قابل دسترس در:

<http://www.abrarnews.com/politic/890303/1389/html/melal.htm>

- «روابط ناتو با ارمنستان»، (۱۳۹۰)، قابل دسترس در:

<http://www.caucasusstudies.com/vdcejb8f9jh8.ib.html>

- زیبگینو، برژینسکی (۱۳۸۶)، *انتخاب: سلطه یا رهبری*، ترجمه: امیر حسین نوروزی، تهران، نشر نی.
- قاسم، ترابی (۱۳۸۹)، «ساختار ارتش و نیروهای نظامی قزاقستان»، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال هشتم، شماره ۸۶، تیر.

- «مبانی سیاست گسترش ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز»، (۱۳۸۵)، قابل دسترس در:

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=428628>

- ناصر، ثقفی عامری (۱۳۸۶)، «ظهور ناتوی جدید و پیامدهای آن برای آسیا»، ترجمه افسانه احدی، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، قابل دسترس در:

www.csr.ir/Pdf/Content1778/Pages20%from4-209%.pdf

- «همکاری‌های جمهوری آذربایجان و ناتو، هدف‌ها و واقعیات»، (۱۳۸۷)، قابل دسترس در:

<http://www.iraz.org/Default.aspx?PageID=604&RelatedID=hPcohjPq>

English Source

- Donald Abenheim (2003), "The Big Bang of NATO Enlargement: Gotterdammerung or Rebirth?", *Strategic Insights*, Vol. II, Issue 2.

- Elizabeth, Wishnick (2009), "Russia, China and United State in Central Asia, Prospect For Great Power Capitation and Cooperation in the Shadow of Georgian Crisis", at:

www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdffiles/PUB907.pdf

- Luft, G. (2005), "America's Oil Dependence and its Implications for U.S. Middle East Policy", *Briefing Presentation before Senate Foreign Relations Subcommittee on Near Eastern and South Asian Affairs*, Washington, D.C.

- BP. Statistical Review of World Energy (2010), at: <http://www.bp.com>

- Kazakhstan, (2011), at:

<http://www.globalsecurity.org/wmd/world/kazakhstan/index.html>

- NATO's relations with Uzbekistan (2011), at:

<http://www.nato.int/issues/nato-uzbekistan/index.html>

- <http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/2924.htm>

- Deirdre Tynan (2009), "Uzbekistan: Karimov Gives Washington the Air Base it Needs for Afghan Operations", at:

<http://www.eurasianet.org/departments/insightb/articles/eav051109a.shtml>

- NATO's Relations with Tajikistan (2011), at:

http://www.nato.int/cps/en/SID-90F2558D29690330/natolive/topics_50312.htm

- NATO's Relations with Georgia (2011), at:

http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_38988.htm

- Merkel, Medvedev Clash over Russia's War in Sochi Talks (2008), at:

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,2144,3567243,00.html>.

- Timeline: Nato-Georgia Relation (2008), at:

http://www.gfsis.net/gsac/eng/resources/NG_Timeline.pdf

- NATO and Georgia **Key Areas of Cooperation** (2011), at:

http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_38988.htm

- NATO's relations with Turkmenistan (2011), at:

<http://www.nato.int/issues/nato-turkmenistan/index.html>

- Nezavisimaya Gazeta (2008), Turkmenistan-USA: Ashkhabad promotes improved relations with NATO, at:

<http://enews.ferghana.ru/article.php?id=239>

- Office of the Coordinator for Counterterrorism (2008), Country Reports on Terrorism, at: <http://www.state.gov/s/ct/rls/crt/2007/103709.htm>

- NATO's relations with the Kyrgyz Republic (2011), at:

<http://www.nato.int/issues/nato-kyrgyzstan/>

- Bureau of South and Central Asian Affairs, Kyrgyz Republic (2009), at:

<http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/5755.htm>

- <http://www.sarmayeh.net/ShowNews.php?14042>

- <http://connection.ebscohost.com/content/article/1024869324.html>

- NATO's relations with Azerbaijan (2011), at:

<http://www.nato.int/issues/nato-azerbaijan/index.html>

- NATO's relations with Armenia (2011), at: <http://www.nato.int/issues/nato-armenia/index.html>

- NATO reaches Pakistan to help flood victims (2010), at:

<http://news.oneindia.in/2010/08/22/nato-reaches-pakistan-to-help-flood-victims.html>

- Rose, Frank A (2010), Transatlantic Missile Defense: Looking to the NATO Lisbon Summit, at: ***<http://www.state.gov/t/avc/rls/149360.htm>***

- James P. Dorian, Brett H. Wigdortz and Dru C. Gladney (May 1997), China and Central Asia's Volatile Mix: Energy, Trade, and Ethnic Relations, Analysis from the East-West Center No. 31, at:

www.eastwestcenter.org/fileadmin/stored/pdfs/api031.pdf

- Energy Information Administration (July 2001), Caspian Sea Region: U.S. Department Of Energy, **Energy Information Administration**.

- Anthony H. Cordesman, Vivek Kocharlakota and Adam Seitz (Aug 13, 2010), Iranian Strategic Competition with the US: The Military Dimension, at:

<http://csis.org/publication/iranian-strategic-competition>

- Woolsey, J. R, (2004, July 7), Implications of U.S. Dependence on Middle East Oil, Address at the Washington Institute for Near Eastern Policy, **Policy Watch**, 882, at:

<http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?CID=1760>

- Nicolas Swanstrom(November 2005), an Asian Oil and Gas Union: Prospects and Problems, **the China and Eurasia Forum Quarterly**,

- Philip Gordon(December 20 2005), NATO's Growing Role in the Greater Middle East, The Emirates Center for Strategic Studies and Research, at:

<http://www.brookings.edu/views/papers/gordon/emirates20060530.pdf>and:

- Paul Gallis(August 15, 2007), NATO and Energy Security, Congressional Report Service, at: www.au.af.mil/au/awc/awcgate/crs/rs22409.pdf
- Istanbul Cooperation Initiative (ICI)(15 Oct 2008), Reaching out to the Broader Middle East, at: www.nato.int/issues/ici/index.ht
- Dombey, Daniel (November 11, 2008), "US gives way on Nato for Georgia and Ukraine", **Financial Times**, at: http://www.ft.com/cms/s/0/b48201e0-bc00-11dd-80e9-0000779fd18c.html?nclick_check=1.
- Rick Rozoff (February 7, 2009), NATO In The Persian Gulf From Third World War To the Istanbul Cooperation Initiative, at: www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=12190
- Rick Rozoff (February 11, 2010), NATO's Role in The Military Encirclement of Iran, at: www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=17555
- Rick Rozoff (August 13, 2010), Iraq: NATO Assists In Building New Middle East Proxy Army, at: <http://rickrozoff.wordpress.com/2010/08/14/iraq-nato-assists-in-building-new-middle-east-proxy-army/>
- Bureau of South and Central Asian Affairs, (July 26, 2011), Republic of Azerbaijan, at: <http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/5775.htm>